

دو فصلنامه علمی تاریخ نگاری و تاریخ نگاری دانشگاه الزهراء (س)  
سال سی و چهارم، دوره جدید، شماره ۳۳، پیاپی ۱۱۸، بهار و تابستان ۱۴۰۳  
مقاله علمی - پژوهشی  
صفحات ۲۶۲-۲۳۷

## انحراف از پیشینه پژوهی در ایران؛ تأملی نقادانه در مرور نوشتگان<sup>\*۱</sup>

علیرضا ملایی توانی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۰۶

### چکیده

درباره روش های تحقیق در تاریخ، آثار فراوانی به زبان فارسی تألیف یا ترجمه شده است، اما نه در این آثار و نه در میدان عملی پژوهش های تاریخی، درحقیقت، اصل «پیشینه پژوهی» / «پیشینه تحقیق»، چنان که باید جایگاه شایسته ای نیافته است. با آن که پیشینه تحقیق از اجزای اصلی و جدایی ناپذیر هر تحقیق علمی است، نگاهی نقادانه به سنت پیشینه پژوهی در ایران نشانگر نوعی بیراهه پیمایی است. مسئله این است که «پیشینه پژوهش» در تحقیقات تاریخی به امری زینتی و حاشیه ای تبدیل شده و اهمیت خود را از دست داده است. تمرکز این مقاله بر مسئله پیشینه تحقیق، تعریف، اهداف و کارکردهای آن است، لذا به طرح این پرسش می پردازد که اصول و مبانی پیشینه نویسی چیست و راه یافت های اصلی در پیشینه پژوهی کدام است و برای بازیابی جایگاه آن چه باید کرد. نگارنده با نقد سنت پیشینه نویسی در رشته تاریخ به این نتیجه می رسد که پیشینه پژوهی در ایران به موضوعی بی قاعده، انحراف یافته و غیرعلمی تبدیل شده و این وضعیت به شدت نیازمند بازنگری است؛ بنابراین، هم باید نوع دریافت و نگاه ما به پیشینه تحقیق به صورت بنیادی تغییر کند و هم نحوه نگارش ما درباره آن تا بتوان پژوهش های تاریخی را ارتقا داد. یعنی هم نقش پیشینه پژوهش را به عنوان بستری برای خوانش انتقادی از پژوهش های پیشین برجسته کرد و هم امکان استفاده از تجربه های پژوهشگران قبلی را به عنوان پایگاهی برای آفرینش های علمی و گشودن

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/hph.2025.50801.1800

۲. استاد گروه تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران: mollaiynet@yahoo.com

\* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی این جانب در بنیاد علم ایران با عنوان «رویکردی انتقادی در مورخ شناسی و متن پژوهی در تاریخ نگاری ایرانی» است.

افق‌های نوین بیش‌ازپیش فراهم آورد.

**کلیدواژه‌ها:** پیشینه تحقیق، مرور نظام‌مند، خوانش انتقادی، مرور بی‌قاعده، مرور باقاعده.

### مقدمه

پژوهشگران تاریخ با دو گونه از منابع سروکار دارند: نخست منابع اصلی یا دست اول که در زمان رویداد یا نزدیک‌ترین زمان به وقوع رویداد نوشته یا تولید شده‌اند و از گونه‌های متفاوت نوشتاری و غیرنوشتاری (اعم از آثار هنری، ابزارها، ساختمان‌ها و...)، شکل گرفته‌اند؛ دوم، منابع دست دوم یا تحقیقات جدید / مآخذ که پس از وقوع رویداد با اتکا به منابع دست اول نوشته شده‌اند. هاشم آقاجری گروه نخست را «منابع تاریخی»<sup>۱</sup> و گروه دوم را «منابع تاریخ‌نگارانه»<sup>۲</sup> یاد کرده است (حضرتی، ۱۳۸۱: ۷۷).

در پژوهش‌های تاریخی به شناخت و نقد هر یک از این دو نوع منبع سخت نیاز است. هنگامی که پژوهشگر به ارزیابی گروه اول می‌پردازد به قلمرو منبع‌شناسی (شناسایی، نقد و تحلیل منابع اصلی) گام نهاده است و هنگامی که به ارزیابی گونه دوم می‌پردازد به قلمرو پیشینه‌شناسی (شناسایی، نقد و تحلیل پژوهش‌های جدید). با این همه، برخی از دانشجویان یا پژوهشگران جوان قادر به تمیز این دو از یکدیگر نیستند. مسئله این مقاله پیشینه پژوهش و جایگاه آن در ساختار تحقیقات تاریخی است و با گروه اول یعنی منابع اصلی سروکار ندارد.

واقعیت این است که پیشینه‌پژوهی در پژوهش‌های تاریخی ایران به کژراهه افتاده و انحراف‌های ناشی از آن در نظام علمی کشور نهادینه شده است. همین بی‌اعتنایی به پیشینه پژوهش باعث رواج رویه‌های نادرست و اغلب خسارت‌باری شده که به شکاف بزرگی میان واقعیت و آگاهی دامن زده است. به بیان دیگر، در رشته تاریخ، همچون بسیاری از رشته‌های علوم انسانی، مبحث «پیشینه پژوهش» دچار بدفهمی شده و از مسیر اصلی خود بیرون رفته است. چنان‌که پژوهشگران آگاهانه یا ناآگاهانه نمی‌کوشند به نحو ژرفی با پژوهش‌های مرتبط با مسئله و موضوع خود پیوند یابند و پژوهش خود را بر بنیاد تحقیقات پیشینیان استوار سازند و بر تجربه‌های آن‌ها تکیه کنند؛ بنابراین، برای رهایی از این واقعیت باید به آشنایی‌زدایی در امر پیشینه‌پژوهی پرداخت و دوباره این پرسش را طرح کرد که پیشینه پژوهش / مرور نوشتگان چیست، چه اهمیت و کارکردی دارد، اصول و مبانی آن کدام است؟ مشکلات

1. Historical sources
2. Historiographical sources

پیشینه‌پژوهی در ایران کدام است و برای عبور از آن چه باید کرد؟ این نوشتار به سهم خود می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ گوید.

البته در برخی از کتاب‌هایی که درباره روش تحقیق در تاریخ به زبان فارسی نوشته یا ترجمه شده‌اند، مبحثی ذیل عنوان «پیشینه تحقیق» آمده است. رشید یاسمی (۱۳۱۶)، قائم‌مقامی (۱۳۵۸)، نورایی (۱۳۸۷)، هروی (۱۴۰۳)، کلارک (۱۳۶۲)، ساماران (۱۳۷۱)، رامپولا (۱۳۹۴)، براندیج (۱۴۰۲) در این باره مطلب ننوشته‌اند. ثواقب (۱۳۸۵)، فروزش (۱۳۹۲)، بلک و راید (۱۳۹۰) اشاره‌ای کوتاه به آن داشته‌اند. تنها میرجعفری و نورایی (۱۳۸۸)، ملایی توانی (۱۳۸۶)، حضرتی (۱۳۹۱)، پیرامون آن مطالبی گفته‌اند.

ملایی توانی ذیل «سوابق پژوهشی» نوشته است، پژوهشگر قبل از گردآوری داده‌ها و پیش از آغاز تحقیق باید سوابق پژوهشی آن موضوع را بکاود و با نقد، شناخت، تسلط بر آنها پژوهشی متمایز با تحقیقات پیشین انجام دهد. وی مناسب‌ترین شیوه ارزیابی پیشینه را پاسخ به یک‌رشته پرسش‌هایی دانسته است که در ادامه این مقاله از آن‌ها استفاده شده است (ملایی توانی، ۱۳۷۶: ۹۵-۹۴).

نورایی و میرجعفری، پیشینه را ذیل عنوان «منابع ثانویه»، «ادبیات تحقیق» و «ارزیابی منابع و مأخذ» بررسی نموده‌اند و معتقدند پژوهشگر باید با بیان قوت و ضعف تحقیقات پیشین، نکات ابهام‌آمیز کار دیگران و چرایی انتخاب موضوع خود را توضیح دهد تا ایده‌های جدید اهمیت یابند و پژوهشگر بداند که دیگران کار را تا کجا پیش برده‌اند، چگونه به مسئله نگرسته‌اند و او باید از کجا آغاز کند (میرجعفری و نورایی، ۱۳۸۸: ۹۶-۹۴).

حضرتی نیز معتقد است، «پیشینه پژوهش یعنی بیان تحقیقات پیشین درباره مسئله پژوهش و ذکر بداعت و نوآوری که در پژوهش وجود دارد و در تحقیقات پیشین بدان‌ها پرداخته نشده است.» پیشینه پژوهش باید در دو بخش تنظیم شود: نخست، معرفی تحقیقاتی که پیش‌تر درباره مسئله پژوهش ما صورت گرفته است و دوم، بیان تفاوت میان پژوهش جاری با پژوهش‌های پیشین و ذکر نوآوری کار در انتخاب روش، نظریه و مسئله تحقیق (حضرتی، ۱۳۹۱: ۱۵۵-۱۵۴).

افزون‌براین، کسانی چون پری‌رخ و فتاحی (۱۳۸۴)، جیل و دیگران (۱۴۰۰) پژوهش‌های مستقلی درباره پیشینه‌شناسی / پیشینه‌پژوهی در قلمرو علوم انسانی نوشته‌اند که می‌تواند راهنمای خوبی برای تاریخ‌پژوهان نیز باشد؛ اما آخرین نوشته به زبان فارسی درباره پیشینه پژوهش در تاریخ، مقاله محمدی نوسودی و ایمان‌پور است. آن‌ها به شکل سودمندی هم پیشینه پژوهش را کاویده‌اند و هم به نقد کار دانشجویان در این زمینه پرداخته‌اند (محمدی

نوسودی و ایمان پور، ۱۴۰۱: ۲۷۲-۲۴۵). نوشته حاضر در امتداد نوشتگان پیشین، می‌کوشد، دامنه مطالعات پیشینه پژوهی را بگستراند و به ابعاد ناگفته‌تر آن پردازد.

### پیشینه پژوهش چیست؟

پیشینه پژوهش با مفاهیمی چون ادبیات پژوهش، سابقه تحقیق، مرور نظام‌مند نوشتگان و مانند آن توصیف و به صورت‌های گوناگون تعریف شده است. پری‌رخ و فتاحی معتقدند، «پیشینه پژوهش عبارت است از بررسی تحلیلی آثار صاحب‌نظران و پژوهشگران در یک موضوع خاص؛ از این‌رو، فعالیتی فکری، (تحلیلی و انتقادی) است که طی آن پژوهشگر، متون و آثار موجود در زمینه پژوهش را شناسایی می‌کند و براساس یک الگوی مشخص و با در نظر داشتن هدف خاص پژوهش خود، آن‌ها را بررسی، تحلیل و نقد می‌کند تا در راستای پژوهش خود از آن‌ها استفاده کند» (پری‌رخ و فتاحی، ۱۳۸۴: ۱۹).

آن‌ها همچنین تأکید می‌کنند که مرور نوشته‌ها نگاهی انتقادی به آن دسته از پژوهش‌هایی است که از منظر پژوهش در دست انجام، مهم به نظر می‌رسند. پژوهشگر ضمن خلاصه کردن پژوهش‌های پیشین، نسبت و ارتباط آن‌ها را با یکدیگر می‌سنجد (همان: ۱۹).

جیل و دیگران معتقدند، پیشینه پژوهش اغلب بخشی از یک طرح پژوهشی یا رساله دکتری است که ممکن است به دو صورت سنتی و نظام‌مند نوشته شود. مرور نوشتگان به‌عنوان یک تکلیف علمی نشان می‌دهد که شما هم از دانسته‌های قبلی آگاهید و هم می‌توانید آن‌ها را تفسیر کنید، خلأها و تناقض‌های موجود در دانش را نشان دهید؛ لذا باید توضیح داد که چرا مرور شما مهم است و این‌که چه چیزی به دانش موجود خواهد افزود و سهم پژوهشگر در دانش موجود چیست؟ (جیل و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۰).

محمدی نوسودی و ایمان پور معتقدند، «پیشینه پژوهش نوعی مستندسازی انتقادی است از آنچه در حوزه موضوعی خاص صورت گرفته و پژوهشگران با آوردن آن، پژوهش خود را در یک بستر جامع مطالعاتی قرار می‌دهد و به لزوم و اهمیت انجام پژوهش خود تأکید می‌کند» (محمدی نوسودی و ایمان پور، ۱۴۰۱: ۲۵۱).

امیرحسین آریان پور پیشینه تحقیق را با عنوان «یافته‌اندوزی» یاد می‌کند و می‌نویسد: «مراد از یافته‌اندوزی، گردآوری یافته‌ها یا دانسته‌ها یا معلومات معتبر است و این کار مستلزم بررسی نظری و احیاناً عملی و یادداشت‌برداری و نقادی یافته‌هاست» (آریان پور، ۱۳۸۳: ۲۸).

نگارنده با این تعریف‌ها موافق است، اما آن‌ها را به نحو کامل‌تری چنین بازگو می‌کند که «پیشینه پژوهش، فرایندی تحلیلی- انتقادی است که پژوهشگر را هم با ادبیات نظری و

مفهومی تحقیق و هم با مجموعه تلاش‌های علمی صورت‌گرفته در موضوع پژوهش آگاه می‌کند تا بتواند نسبت تحقیق خود را با نوشتگان پیشین از منظر مسئله، روش، رهیافت، دانسته‌ها، ناشناخته‌ها و ایده‌های مطرح شده بسنجد، به تناقض‌ها و ناهمسازی‌های موجود پی ببرد و با مستندسازی و دسته‌بندی دانسته‌های پیشین توضیح دهد که چرا با وجود تحقیقات پیشین به پژوهشی جدید در این زمینه نیاز است؛ بنابراین، پیشینه‌پژوهی مرحله‌ای بنیادین در هر تحقیق علمی است که پژوهشگر را یاری می‌دهد تا بر فراز تجربه‌ها و یافته‌های پیشینیان بایستد و بداند کار متفاوتش را از کجا و چگونه آغاز کند که به تکمیل تحقیقات پیشین بینجامد.»

### گونه‌های اصلی پیشینه‌پژوهی

به‌طور کلی سه نوع پیشینه‌پژوهی یا مرور نوشتگان وجود دارد: نخست، مرور بی‌قاعده، دوم مرور باقاعده و سوم مرور نظام‌مند. الف. مرور بی‌قاعده، شیوه‌ای از پیشینه‌پژوهی است که نه از منطق علمی پیروی می‌کند و نه دانش و آگاهی تولید می‌کند؛ ب. مرور باقاعده نوشتگان، هم به منطق تولید دانش پایبند است و هم آگاهی تولید می‌کند؛ اما هیچ روش‌شناسی تجویزی ارائه نمی‌کند. جیل و دیگران این روش را مرور سنتی نوشتگان خوانده‌اند. مرور سنتی معمولاً رهیافتی تحلیلی دارد و ممکن است به بررسی انتقادی روش‌ها، نتایج مطالعات پیشین، نظریه‌ها و فرضیه‌های پژوهشگران پیشین بپردازد (جیل و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۶). این نوع مرور در اصل، خلاصه‌ای مناسب از آثار قبلی همراه با تفسیر پژوهشگر است.

ج. مرور نظام‌مند روشی پژوهشی مستقلی است که با هدف پاسخ‌گفتن به یک پرسش پژوهشی خاص صورت می‌پذیرد و با روش‌شناسی تجویزی همراه است. مرور نظام‌مند روشی برای معنادار ساختن حجم بزرگی از اطلاعات است تا نشان دهد که چه بخش از پژوهش‌های پیشین برای پژوهش جدید کارایی دارد، مطالعات انجام‌شده در چه مسیری قرار داشته و اکنون در چه وضعیتی قرار دارند و چشم‌انداز آینده چیست. مرور نظام‌مند دارای هدفی روشن، رویکردی معین، پرسش‌های مشخص و معیارهایی برای ورود و خروج از مطالعات پیشین است و دستاورد آن ارائه یک ارزیابی کیفی مستقل از مطالعات پیشین است. مرور نظام‌مند به معنای به‌کاربردن روشی منظم و مبتنی بر روش‌شناسی است نه روشی اتفاقی و تصادفی.

بنابراین، مرور نظام‌مند به‌عنوان یک روش تجویزی دارای شش مرحله زیر است: ۱. تعریف مسئله و پرسش پژوهش، ۲. طراحی برنامه تحقیق، ۳. جست‌وجوی نوشتگان؛ ۴. اعمال معیارهای ورود و خروج از مطالعات پیشین، ۵. اعمال ارزیابی کیفی پیشینه، ۶. ترکیب و تلفیق

مطالب منابع مختلف (همان: ۲۳). این نوع پژوهش‌ها را می‌توان پژوهش‌ها یا مقاله‌های مروری خواند.

باتوجه به آنچه گفته شد، ممکن است پژوهشگران در مرور نوشتگان خود، به صورت نظام‌مند عمل کنند؛ اما این به آن معنا نیست که لزوماً مروری نظام‌مند انجام داده‌اند (همان: ۱۹)؛ زیرا در مرور نظام‌مند، پژوهش با ارزیابی تحلیلی / انتقادی پیشینه به پایان می‌رسد؛ اما پس از مرور باقاعده، پژوهش آغاز می‌شود. به عنوان نمونه‌ای از مرور نظام‌مند و مرور باقاعده می‌توان به کار کاظم علمداری در کتاب *چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟* اشاره کرد. او در دیباچه کتابش مهم‌ترین نظریه‌های مطرح شده درباره علل عقب‌ماندگی ایران را به سه گروه اصلی تقسیم می‌کند: نخست، گروهی که علل عقب‌ماندگی ایران را به عوامل خارجی مانند حمله بیگانگان نسبت می‌دهند و از رخدادهای سرنوشت‌سازی چون حمله اعراب، حمله مغول‌ها و استعمار غرب سخن می‌گویند؛ مانند آخوندزاده، میرزا آقاخان کرمانی، ابراهیم پورداود و دیگران؛

گروه دوم کسانی که علت عقب‌ماندگی ایران را به مسائل ذهنی، فرهنگی و شخصیتی ایرانیان نسبت می‌دهند و از نخبه‌کشی، دین‌خوبی، فرهنگ سترون و مسائل روان‌شناختی ایرانیان سخن گفته‌اند؛ مانند آرامش دوستدار، علی رضاقلی، صادق زیباکلام، حسن نراقی و دیگران؛

گروه سوم کسانی که عوامل اقتصادی، شیوه و روابط تولید را عامل عقب‌ماندگی ایران دانسته‌اند و در این راه از مسائلی چون شیوه تولید آسیایی، جامعه بی‌آب، زندگی ایلاتی و کوچ‌رو سخن گفته‌اند؛ مانند کاتوزیان، احمد اشرف و دیگران (علمداری، ۱۳۸۰: ۵۱-۳۸). این دیباچه چون به دسته‌بندی و سپس نقد ایده‌های مطرح شده درباره علل و انگیزه‌های عقب‌ماندگی ایران پرداخته و از روش تجویزی خود سخن گفته است، یک مرور نظام‌مند است. در همان حال، چون با نقد این دیدگاه‌ها، زمینه را برای یک مطالعه گسترده‌تر فراهم می‌کند، یک مرور باقاعده است؛ زیرا او در ادامه کتاب، ایده خود را به نحوی متمایز با آن‌ها بیان می‌کند و می‌نویسد، دو عامل کلیدی به عنوان علت / عامل پیشرفت غرب و عقب‌ماندگی ایران نقش‌آفرین بوده‌اند: الف. پیدایش سرمایه‌داری و جدایی دین از دولت در غرب؛ ب. عدم پیدایش سرمایه‌داری در ایران و پیوستگی دین و دولت در ایران. او سپس پژوهش خود را با همین مبنا آغاز می‌کند (همان: ۵۲).

### شیوه‌های گوناگون نگارش پیشینه تحقیق در ایران

در پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌های پژوهشگران جوان ایرانی سه نوع مواجهه در امر پیشینه‌پژوهی / پیشینه‌نویسی به چشم می‌خورد: شیوه نخست، ادعای فقدان پیشینه است؛ بسیاری از پژوهشگران ادعا می‌کنند که تحقیقاتشان فاقد پیشینه است یا برای نخستین بار صورت می‌گیرد. آن‌ها با این ادعا می‌کوشند هم خود را از شر نوشتن پیشینه رها کنند و هم بر اعتبار پژوهش خود بیافزایند و هم دلیلی برای توجیه نبودن و دفاع از اعتبار تحقیقشان بیابند. این ادعا یکی از راه‌های فرار از مواجهه منطقی با پیشینه پژوهش در ایران است.<sup>۱</sup>

شیوه دوم، مواجهه نادرست و کتاب‌شناسانه با پیشینه پژوهش است؛ به این معنا که حجم پژوهش‌های صورت گرفته درباره آن موضوع / مسئله چنان گسترده است که پژوهشگر نمی‌تواند پیشینه تحقیق را انکار کند و چون با اصول و مبانی پیشینه‌پژوهی آشنا نیست، به معرفی مختصر برخی از آثار مرتبط با پیشینه پژوهش یا حداکثر یک کتاب‌شناسی محدود می‌پردازد. این رایج‌ترین شیوه پیشینه‌نویسی در ایران است (محمدی نوسودی و ایمان‌پور، ۱۴۰۱: ۲۶۲-۲۶۱). این دو رهیافت در زمره پیشینه‌پژوهی بی‌قاعده قرار دارند.

شیوه سوم، مواجهه باقاعده / قاعده‌مند با پیشینه پژوهش است. این نوع مواجهه از سوی پژوهشگران علاقه‌مندی صورت می‌گیرد که به اهمیت و کارکرد پیشینه پژوهش آگاهی دارند و بخشی از تکاپوی علمی خود را به پیشینه‌پژوهی اختصاص می‌دهند؛ اما این افراد با وجود احاطه و اشرافشان بر پیشینه پژوهش، سرانجام به یک روش تجویزی دست نمی‌یابند تا در زمره مرور نظام‌مند پیشینه قرار گیرند.

### آیا می‌توان موضوع یا مسئله‌ای فاقد پیشینه یافت؟

این پرسش که آیا یافتن موضوع یا مسئله‌ای فاقد پیشینه، یافتن یا نه پرسشی مهم و بحث‌انگیز است. شاید پاره‌ای از موضوعات برای نخستین بار به ذهن پژوهشگر خطور کنند؛ اما عمده موضوعات پژوهشی رشته تاریخ از پیشینه قابل ملاحظه‌ای برخوردارند، زیرا پژوهش‌های تاریخی از سنخ گسترش دادن مطالعات پیشین هستند نه از سنخ اختراع کردن.

بنابراین، ادعای کسانی که می‌پندارند پژوهششان فاقد پیشینه است، پذیرفتنی نیست؛ زیرا جهان علم در پیوند با آگاهی‌های گوناگون و پژوهش‌های پیشینیان شکل گرفته است و از

۱. اگر به اغلب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و رساله‌های دکتری رشته تاریخ نگاه کنید با این واقعیت تلخ مواجه می‌شوید.

هرجا که آغاز کنیم ناگزیر بر بستر پژوهش‌های پیشین قرار داریم و از این بافتار جدا نیستیم. در واقع، هر تکاپوی علمی که پژوهشگران سامان دهند در راه تکمیل یافته‌ها و آگاهی‌های پیشین است. هرچند ممکن است دقیقاً موضوعی با همان جزئیات و کیفیت وجود نداشته باشد؛ اما نباید تردید کرد که در همان قلمرو و مسائل مرتبط با آن پژوهش‌های مهمی صورت گرفته است.

برای درک بهتر این موضوع سخن مجتبی مینوی شنیدنی است. او نیم قرن پیش از دسترسی همگانی بشر به اینترنت و منابع کتابخانه‌های دیجیتال و پایگاه‌های جهانی اطلاع‌رسانی علم می‌نویسد، اولین قدم این است که محقق از خود بپرسد درباره موضوع مورد مطالعه من تاکنون چه پژوهشی صورت گرفته است؟ سادگی است اگر بپذیرد هیچ کاری مرتبط با آن انجام نشده است، زیرا در این عصر باین همه کتاب و مجله که در دنیا نوشته می‌شود یافتن موضوعات بکری که هیچ پژوهشی درباره آن منتشر نشده باشد بسیار اندک است.

حتی درباره جدیدترین یافته‌های علمی، پژوهش‌های متعدد صورت گرفته است (مینوی، ۱۳۷۵: ۱/۱۲). به همین سبب، مینوی به پژوهشگران توصیه می‌کند افزون بر آثار پیشین، همواره بازار نشر را رصد کنند و آخرین یافته‌های مرتبط با موضوع پژوهش خود را بیابند. به باور او کوچک‌ترین زیان ندیدن پیشینه این است که در یک مجلس علمی کسی درباره موضوع مورد مطالعه شما مطلبی را از مطالعات جدید نقل می‌کند که شما نشنیده‌اید و موجب خجالت شما می‌شود (همان: ۱/۱۵).

آنچه مینوی گفته است بسیاری از پژوهشگران حرفه‌ای بارها تجربه کرده‌اند. چه بسا پژوهش‌هایی که از نظر پژوهشگرانشان نهایی شده و در آستانه انتشار قرار داشته‌اند، اما ناگهان آثاری بسیار نزدیک و مرتبط با کارشان منتشر شده است. در چنین مواقعی نویسنده باید کار را پس بگیرد و از تحقیقات جدید استفاده کند.<sup>۱</sup>

باید بدانیم که دانش بشر به‌ویژه در سده‌های اخیر انباشتی است، یعنی پژوهش‌ها و تولید علم در پیوند با مطالعات پیشین و در ادامه آن‌ها صورت می‌گیرند؛ بنابراین، بسیاری از پرسش‌ها، مسئله‌ها، ابهام‌ها و ناشناخته‌هایی که امروز با آن دست به گریبانیم پژوهشگران پیشین نیز کم‌وبیش با آن رویاروی بوده‌اند و در آن راه به جست‌وجو پرداخته‌اند. پژوهش کردن

---

۱. نگارنده هنگامی که کتاب *زن‌گی‌نامه طالقانی* را به انتشارات نی سپرد چندی نگذشت که کتابی درباره طالقانی منتشر شد و در پی گفت‌وگویی که با نویسنده داشتم متوجه شدم که هیچ‌یک از کار دیگر خبردار نبوده‌ایم. این موضوع در جلسه‌های دفاع از پایان‌نامه‌ها بسیار دیده شده است که برخی از استادان از کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها و مقاله‌هایی یاد می‌کنند که دانشجو ندیده است یا در مراحل پایانی کار دانشجو منتشر شده‌اند.

بدون توجه به این انباشت و این تجربه، بسان اختراع دوباره چرخ است و جز تکرار، اتلاف وقت و هزینه دستاوردی ندارد. بدیهی است که با وضع کنونی پیشینه‌نویسی در ایران، راه این نوع ملاحظه‌ها و نگاه‌ها فرو بسته می‌ماند، آگاهی انتقادی پدید نمی‌آید و پژوهش‌ها همدیگر را تکمیل نمی‌کنند و با پژوهش‌های پیشین پیوند نمی‌خورند.

### پیشینه پژوهش در کدام مرحله تحقیق قرار می‌گیرد؟

هر کار پژوهشی بر بنیاد پژوهش‌های پیشین و به پشتوانه افق‌گشایی‌های پژوهشگران گذشته صورت می‌گیرد تا آن‌ها را اصلاح و تکمیل کند؛ بنابراین، هرگونه بی‌توجهی به پیشینه معنایی جز نقصان و ناکامی پژوهش ندارد. هر پژوهش علمی از آغاز تا پایان چندین مرحله را پشت سر می‌گذارد و در یک فرایند به بار می‌نشیند. این مرحله‌ها در مجموع عبارت‌اند از: ۱. طرح مسئله یا ایده تحقیق؛ ۲. تبدیل مسئله به موضوع پژوهش همراه با طرح پرسش‌های تحقیق؛ ۳. آگاهی از منابع و شناخت پیشینه پژوهش (از جهت نظری، مفهومی و مطالعاتی)؛ ۴. انتخاب روش پژوهش مناسب با موضوع و مسئله؛ ۵. گردآوری داده‌های تحقیق با ابزارها و شیوه‌های مناسب؛ ۶. گذر از داده به دانش: نقد، تصفیه و پالایش داده‌ها؛ ۷. نوشتن متن (همراه با توصیف، تبیین، تحلیل و معنادهی، تفسیر) و ارائه روایتی منسجم، مستند، مستدل با رعایت همه ملاحظه‌های یک نوشتار پژوهشی.

اما بازخوانی راه رفته پژوهشگران برجسته و ارزیابی تجربه‌های پژوهشی موفق نشان می‌دهد که پیشینه پژوهش، در مراحل مختلف پژوهش، از تعیین عنوان تا نگارش نهایی متن، حضور دارد زیرا:

۱. پژوهشگر باید موضوع و مسئله‌ای متمایز با پژوهش‌های پیشین را مطرح کند، لذا در این مرحله نمی‌تواند نسبت به پیشینه پژوهش و پرسش‌های پیشین بی‌اعتنا باشد. تنها در این صورت است که مسئله تحقیق و پرسش‌های آن به‌درستی و به شکلی متمایز تدوین خواهند شد و در پیوند با پژوهش‌های پیشین قرار خواهند گرفت (اندروز، ۱۳۹۵: ۳۳-۳۲)؛

۲. آگاهی از پژوهش‌های پیشین نقش مهمی در شکل‌گیری فرضیه، مدعا و پیش‌فرض‌های پژوهش دارد. مادام که علم رشد می‌کند و رو به پیش دارد، پیش‌فرض‌ها و فرضیه‌ها نیز تغییر می‌کنند و ایده‌های تازه زاده می‌شوند؛

۳. به انتخاب روش پژوهش متناسب با موضوع و مسئله کمک می‌کند؛

۴. پژوهشگران را در شناخت منابع اصلی و تحقیقات جدید یاری می‌دهد تا راحت‌تر به

گردآوری داده‌ها بپردازند و از مرحله داده به دانش گذر کنند؛

۵. به پژوهشگر کمک می‌کند تا هنگام نگارش به‌گونه‌ای متفاوت و متمایز از تحقیقات پیشین عمل کند.

باتوجه به آنچه گفته شد، نمی‌توان جایگاه پیشینه پژوهش را به مرحله‌ای مشخص از فرایند تحقیق محدود کرد. پیشینه‌شناسی پژوهش، از گام‌های آغازین در هر پژوهشی آغاز می‌شود و تا واپسین مرحله مستقیم یا نامستقیم حضور دارد. افزون بر این، در مرحله‌نهایی نگارش متن تحقیق، ممکن است اثری مرتبط با موضوع و مسئله تحقیق منتشر شود و دوباره پژوهشگر را با پیشینه درگیر کند.

### رهیافت‌های اصلی در پیشینه پژوهش

پیشینه پژوهی می‌تواند با رهیافت‌های متفاوت انجام شود که در ادامه به سه رهیافت اصلی اشاره می‌شود.

#### الف. خوانش انتقادی پژوهش‌های پیشین

هدف نهایی از پرداختن به «پیشینه پژوهش»، نقد ایده‌ها، یافته‌ها، رهیافت‌ها، گفتمان‌ها و روش‌های پژوهش‌های پیشین است نه صرفاً معرفی آن‌ها؛ بنابراین، پیشنهاد نگارنده این است که برای درک بهتر جایگاه و اهمیت مبحث مهم «پیشینه پژوهش» از عنوان «خوانش انتقادی پیشینه پژوهش» استفاده شود تا از منحرف‌شدن موضوع پرهیز گردد. در پی این نقادی است که جایگاه مطالعات پیشین و نسبت آن‌ها با پژوهش جدید و موضع فکری پژوهشگر در برابر آن‌ها آشکار می‌شود.

بی‌گمان، خوانش انتقادی تحقیقات پیشین عاملی تعیین‌گر در زایش علم و افزایش آگاهی جدید است. گسترش مباحث انتقادی باعث می‌شود ایده‌ها و یافته‌های پیشین صیقل بخورند، کاستی‌ها و نارسایی‌ها و نیز قدرت و استحکام آن‌ها روشن شوند و فهم‌های بهتری پدید آید. پژوهشگر خردمند نباید تصور کند که حقیقت را در اختیار دارد، بلکه باید بداند که تنها با نقد است که فرق دوغ‌ودوشاب آشکار می‌شود. رهیافت انتقادی، پژوهشگر اندیشمند را وامی‌دارد که یک پدیده یا عقیده را از جنبه‌های گوناگون ببیند و به دریافت دقیق‌تری دست یابد. به تعبیر پوپر، بر پایه رویکرد خردگرایانه ممکن است حق با دیگران باشد. تنها با نقد و گفت‌وگو است که دو سوی گفت‌وگوهای انتقادی، جنبه‌های بیشتری را روشن‌تر از پیش می‌بینند و این امر زمانی رخ می‌دهد که باور داشته باشیم که نزدیک‌شدن ما به حقیقت مهم‌تر از آن است که کدام‌یک بر حق هستیم و تنها از این منظر است که می‌توانیم از موضع خود در بحث دفاع کنیم (پوپر، ۱۳۸۳: ۱۴۴).

بنابراین، نوشتن این جمله کلیشه‌ای که «تاکنون درباره این موضوع هیچ تحقیقی صورت نگرفته و این نخستین تحقیق در این باره است» نه تنها سودمند نیست؛ بلکه از این جهت بسیار زیان‌بار است که باب هر نوع گفت‌وگو و نقد را می‌بندد، مسیر دانش را مسدود می‌کند و پژوهشگران را به این نتیجه می‌رساند که باید کارهای بی‌سابقه انجام دهند. حال آن‌که در بسیاری از موضوعات به‌ویژه در مسئله‌های تاریخی همواره تعارض و اختلاف نظر وجود دارد؛ بنابراین، پیشینه در اصل باید یک خوانش انتقادی باشد؛ چون علم چیزی جز تاریخ علم و پیشینه آن علم و خوانش انتقادی و افزودن درصدی ناچیز بر آن نیست.

اکنون اگر بخواهیم به نمونه‌ای از رهیافت‌های انتقادی در پیشینه‌شناسی اشاره کنیم می‌توان به کتاب هم شرقی هم غربی افشین متین اشاره کرد. نویسنده در مقدمه کتاب خود ابتدا به ارزیابی کوتاه و انتقادی آثار کسانی چون حمید دباشی، پرواند آبراهامیان، مهرزاد بروجردی، علی میرسپاسی، نگین نبوی، فرزین وحدت، علی قیصری، نیکی کدی و دیگران می‌پردازد و وجوه تمایز و تفاوت کار خود را با این پژوهش‌ها آشکار می‌کند و نشان می‌دهد که هدفش از نگارش این کتاب هم تکمیل و هم نقد پژوهش‌های موجود درباره تاریخ روشنفکری ایران است.

ایده اصلی او این است که برخلاف این سخن مشهور که تمدن ایران «نه شرقی است و نه غربی» است، او مدعی است ایران مدرن به‌عنوان یک دولت - ملت همچون ایران پیشامدرن به‌منابۀ یک امپراتوری، هم از لحاظ فرهنگی و هم به‌لحاظ فکری «هم شرقی و هم غربی» است (متین، ۱۳۹۹: ۲۵-۱۳).

#### ب. ترسیم میدان مناقشه‌های علمی؛ پیشینه پژوهش در حوزه‌های اختلاف‌انگیز

بی‌گمان، درباره پاره‌ای از رویدادها، جریان‌ها و شخصیت‌های تاریخی میان تاریخ‌نگاران و پژوهشگران اختلاف‌نظرهای جدی وجود دارد. این اختلاف‌نظرها برآمده از فهم‌ها، پیش‌فهم‌ها، گفتمان‌ها، اندیشه‌ها و انگیزه‌های متفاوت آن‌ها در برخورد با موضوعات است. به همین دلیل، درباره بسیاری از مسئله‌های تاریخی کشور مناقشه‌های عمیقی شکل گرفته و صاحب‌نظران را به چند دسته متفاوت و گاه متعارض تقسیم کرده است.

یکی از کارکردهای خوانش انتقادی پیشینه این است که به پژوهشگر امکان می‌دهد تا بر پایه ایده‌های کانونی پژوهش‌های پیشین به دسته‌بندی دستاوردها و ایده‌های صاحب‌نظران بپردازد و اختلاف‌نظرها را آشکار سازد و میدان مناقشه‌ها را روشن کند. همین فعالیت به‌منزله می‌مورد بخشی از مسیر دشوار تحقیق است؛ زیرا چنین کوششی در واقع وجه مسئله‌مند تحقیق

را آشکار می‌کند و نشان می‌دهد که محقق وارد یک مناقشه چندوجهی شده است که باید موضع بگیرد و در دفاع از یک رهیافت/نگرش و نقد ایده‌های مخالف استدلال کند و دلایل و شواهد تاریخی متقن ارائه دهد.

این تعارض‌ها و ناهمسازی‌ها هم نشانگر مهم بودن مسئله و هم نشانگر مهم بودن مناقشه‌ها و اختلاف‌نظرهایی است که پیرامون آن شکل گرفته است؛ زیرا پرونده علمی این موضوع یا مناقشه هنوز پایان نیافته و همچنان نیازمند پژوهش‌های تازه و گشودن افق‌های نوین است. بنابراین، هرگاه درباره یک موضوع/مسئله پژوهشی اختلاف در ایده‌ها، دیدگاه‌ها و رهیافت‌ها بروز یابد، پیشینه پژوهش اهمیت دوچندانی می‌یابد. زیرا موضوع همچنان زنده و جاری است. به هر اندازه که موضوع مناقشه اهمیت بیشتری داشته باشد و به هر میزان که پژوهشگر بتواند دامنه اختلاف‌نظرها را نمایان سازد، وجه مسئله‌مند آن موضوع بهتر آشکار می‌شود. دقیقاً در همین نقد پیشینه است که افق، بینش و دستگاه معرفتی پژوهشگر و نوع مواجهه او با ایده‌ها و رهیافت‌های پژوهشگران پیشین آشکار می‌شود و وجوه تمایز آن برجسته می‌گردد.

هنگامی که درباره یک مسئله، مناقشه و اختلاف نظر بالا می‌گیرد تنها با مهارت در تفکر انتقادی است که می‌توان سره را از ناسره تشخیص داد؛ زیرا پژوهشگر در چنین وضعیتی ناگزیر است منابع جانب‌دار، متناقض، مبهم و یک‌سویه را مطالعه کند و به نقد ژرف دیدگاه‌های مختلف و متناقض بپردازد و سپس با روشی استدلالی ایده خود را طرح کند و دریافتی نو ارائه دهد؛ یعنی با تلفیق و ترکیب ایده‌های و نظریه‌های مطرح شده به سنتزی تازه برسد (رامپولا، ۱۳۹۴: ۲۱) یا در یک سوی مناقشه بایستد و در دفاع از موضع خود شاهد و دلیل ارائه کند تا روشن شود که رویکرد او چه نسبتی با مناقشه‌های موجود در حوزه مزبور دارد و تا چه اندازه با افق، بینش و یافته‌های پژوهشگران پیشین همراه یا ناهمراه است و در قیاس با پژوهش‌های پیشین چه مناقشه تازه‌ای درافکنده است.

اگر پژوهشگر بخواهد بدون توجه به مناقشه‌های مطرح شده در این راه گام بردارد، به کاری بیهوده دست یازیده است. به‌عنوان نمونه درباره انگیزه‌های جنبش ملی‌شدن نفت تاکنون ایده‌های متفاوت مطرح شده است. چنان‌که دست‌کم هفت روایت متفاوت و گاه متعارض را می‌توان در این باره بازشناخت: روایت رسمی حکومت پهلوی، روایت کُنشگران و هواداران جنبش ملی‌شدن نفت، روایت انگلیسی‌ها، روایت آمریکایی‌ها، روایت تاریخ‌نگاران چپ و مارکسیست هوادار دولت شوروی، روایت رسمی جمهوری اسلامی و روایت پژوهشگران آکادمیک.

ضمن آن‌که در میان این روایت‌ها به‌ویژه روایت‌های آکادمیک انبوهی از نگرش‌های متفاوت وجود دارد. گروهی از پژوهشگران این جنبش را اساساً به‌عنوان تلاشی برای استقرار دموکراسی و بازگشت به آرمان‌های انقلاب مشروطه تلقی می‌کنند. گروهی دیگر آن را یک حرکت اقتصادی برای جلوگیری از چپاول ثروت ملی ایرانیان می‌شمارند و گروهی دیگر آن را جنگ قدرت‌های سلطه‌گر برای سیطره بر منابع ثروت ایران و سلطه سیاسی بر این کشور می‌دانند؛ بنابراین، پژوهشگر این میدان اگر به استدلال‌ها و ادعاهای محققان پیشین پردازد، نمی‌تواند کار درخوری انجام دهد.

کتاب کودتا اثر پروانده آبراهامیان نمونه‌ای شایسته در این باب است. وی در مدخل این کتاب در پاسخ به این پرسش که چرا با وجود کتاب‌های متعددی که درباره کودتای ۲۸ مرداد و جنبش ملی شدن نفت نوشته شده‌اند، دوباره باید به این موضوع پرداخته است، می‌نویسد، هدف او این است که با تصورات عرفی نادرستی که تحت‌تأثیر نوشته‌های قبلی رواج یافته‌اند از دو جهت مقابله کند: نخست، این ادعا که انگلیسی‌ها با حسن‌نیت مذاکره می‌کردند و ایالات متحده به‌عنوان یک میانجی درستکار به پادرمیانی پرداخت، اما مصدق با کله‌شقی‌اش که منشأ روانی داشت و مبتنی بر عقده «شهادت شیعی» بود نتوانست با آن‌ها همدلی کند.

کسانی چون ویلیام راجر لویس از این ایده پشتیبانی کرده‌اند. دوم، این ادعا را به چالش بکشد که کودتا را برآیند مستقیم بروز جنگ سرد می‌داند که در این فضا موضوع نفت برای آمریکا اهمیتی نداشت؛ بلکه مهار کمونیسم و جلوگیری از فروغلتیدن ایران به دامان شوروی علت اصلی مداخله آمریکا بود.

کسانی چون مارک گازیوروسکی از این ایده پشتیبانی کرده‌اند؛ اما آبراهامیان این دیدگاه‌ها را به‌شدت زیر سؤال می‌برد و معتقد است کودتا در چارچوب تضاد امپریالیسم و ناسیونالیسم بین جهان اول و جهان سوم و نیز اقتصادهای توسعه یافته و نیافتاده برای تسلط بر منابع و مواد خام صورت گرفت و آمریکا نیز به اندازه انگلستان برای چیرگی بر منابع نفتی ایران سرمایه‌گذاری کرده بود (آبراهامیان، ۱۳۹۴: ۲۲-۲۰).

در این کتاب این ایده به تفصیل مطرح و آرا مخالفان نقد شده است. با توجه به آنچه گفته شد، آشکار ساختن ناهمسازی و مناقشه‌هایی که میان پژوهشگران شکل گرفته و وضعیتی ناهم‌ساز ایجاد کرده، یکی از راه‌های بررسی انتقادی پیشینه و طرح مجدد مسئله تحقیق است.

### ج. شورش علیه روایت متواتر و مسلط

پیشینه پژوهی انتقادی و عمیق گاه ممکن است به دستاوردهای غیرمنتظره، عجیب و

ساختار شکنانه منجر شود و به طرد و نقض روایت‌های جا افتاده و مسلط بینجامد. این البته زمانی رخ می‌دهد که تاریخ‌نگار ایده‌پرداز، نقاد، شالوده‌شکن گام در میدان تاریخ پژوهی بگذارد و ایده‌های پیشین را به چالش بکشد؛ زیرا به تعبیر کالینگوود کار مورخ نقد کردن است نه باور کردن.<sup>۱</sup>

یعنی پژوهشگر یا از رهگذر نقادی و طرح استدلال‌های تازه یا دست‌یابی به اسناد، مدارک و داده‌های دست اول در فرایند تحقیق که محققان پیش از او به آن منابع دسترسی نداشته‌اند، یافته‌های پژوهشگران پیشین را از اعتبار می‌اندازد و طرحی نو درمی‌افکند؛ زیرا بسیار اتفاق افتاده است که یک موضوع را یکی از پژوهشگران برجسته به‌خاطر کم‌دقتی یا دسترسی نداشتن به اسناد و مدارک معتبر به گونه‌ای روایت کرده است که بسیاری دیگر سخنان وی را تکرار کرده‌اند، اما پژوهشگر نقاد و پیشینه‌شناس علیه پژوهش‌های پیشین می‌شورد و همه آن‌ها را به چالش می‌کشد و ایده‌های آن‌ها را باطل و بی‌اعتبار می‌کند.

اکنون به چند نمونه اشاره می‌کنیم: در ادبیات تاریخ پژوهی جدید ایران این موضوع همواره تکرار شده است که «آموزش نوین تاریخ با دارالفنون آغاز می‌شود.» این سخن را فریدون آدمیت رواج داد و به اعتبار نام و جایگاه او بسیاری از کسان از جمله حسین مجبویی اردکانی، محمدحسن گنجی، غلامحسین زرگری‌نژاد، مونیکا رینگر، منصور صفت‌گل و انبوهی دیگر این سخن را تکرار کردند.

اما قدیمی قیداری و شوهانی با استفاده از اسناد تازه‌یاب و ارزیابی دقیق مدارک و شواهد جدید از جمله روزنامه وقایع اتفاقیه دارالفنون و نظام‌نامه داخلی این مدرسه که آدمیت به آن دسترسی نداشت، به این نتیجه رسیدند که این موضوع نادرست است (قدیمی قیداری و شوهانی، ۱۴۰۰: ۷۵-۳۱). نمونه دیگر کتاب برآمدن قاجار، اثر غلامحسین زرگری‌نژاد است که با تردید در روایت‌های رسمی دوره پهلوی و جمهوری اسلامی درباره خاندان زند به‌ویژه کریم‌خان و لطفعلی‌خان و نیز آقامحمدخان قاجار و حاج ابراهیم کلانتر، با طرح خوانشی تازه از منابع اصلی درباره این دوره حساس گذار از زندیه به قاجاریه، روایتی متفاوت درافکننده است (زرگری‌نژاد، ۱۴۰۲). یا علی سالاری شادی در برخی از مقاله‌های خود به این ترتیب عمل کرده است (سالاری شادی، ۱۳۸۶؛ همو، ۱۳۸۸؛ همو، ۱۳۹۱).

۱. آر. جی. کالینگوود، اصول تاریخ و نوشتارهای دیگر در فلسفه تاریخ، ترجمه عبدالرضا سالاربهزادی، تهران: نی، ۱۳۹۰: ۳۵۶-۳۵۵.

### مهم‌ترین کارکردهای عملی پیشینه پژوهش

۱. پیشینه پژوهش فرایندی ضروری و گریزناپذیر در هر نوع تحقیق علمی است. هیچ پژوهشی نمی‌تواند در خلأ و بدون توجه به پیشینه صورت پذیرد و اگر صورت پذیرد، به دستاورد مطلوبی منجر نمی‌شود؛

۲. به هر میزانی که پژوهشگر بر پژوهش‌های پیشین اشراف یابد، امکان پژوهش ژرف‌تر را خواهد یافت؛ زیرا پژوهش‌های علمی نتیجه منطقی اندیشه‌های گروهی از پژوهشگران است و در عرصه علم، متأخران تنها با بهره‌برداری از تجربه متقدمان است که می‌توانند از آن‌ها پیشی بگیرند (آریان‌پور، ۱۳۸۳: ۲۹)؛

۳. ارزیابی روشمند و نظام‌یافته پیشینه، گونه مستقلی از پژوهش است که از آن به‌عنوان پژوهش‌های مروری یاد می‌شود. این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مرز دانش و آگاهی در آن مسئله / موضوع کجاست؛ ناشناخته‌ها، ابهام‌ها و ناهمسازی‌ها کدامند؛ راه طی شده چیست و چشم‌اندازهای پیش رو کدامند؟ این پژوهش‌ها راهنمای خوبی برای پژوهشگران جوان است تا با آخرین یافته‌ها، آخرین ایده‌ها و واپسین نظریه‌ها در آن حوزه آشنا شوند.

در بسیاری از رشته‌های غیر علوم انسانی نوشتن مقاله‌های مروری رواج دارد. هرچند در رشته تاریخ نوشتن چنین مقاله‌های رایج نیستند، کتاب‌شناسی‌های توصیفی تا حدی به این رهیافت نزدیک می‌شوند. یکی از این آثار کتاب دو جلدی بررسی تحلیلی مطالعات / انقلاب اسلامی اثر علی محمد حاضری است که به معرفی و ارزیابی کوتاه برجسته‌ترین نوشته‌های پژوهشگران درباره انقلاب اسلامی پرداخته است (حاضری، ۱۳۸۸)، اما یکی از مشکلات این کتاب‌شناسی‌ها این است که روزآمد نمی‌شوند تا جدیدترین آثار را بشناسانند؛

۳. پیشینه پژوهش یکی از ملاک‌های مهم ارزیابی در هر نوع فعالیت علمی است. چنان‌که در تمام فرم‌های داوری مقاله‌های علمی پژوهشی و ارزیابی طرح‌های پژوهشی و حتی در کتاب‌ها، این شاخصه از امتیاز بالایی برخوردار است؛ بنابراین، مواجهه ژرف با پیشینه پژوهش لازمه یک تحقیق علمی معتبر است و بر اعتبار آن می‌افزاید. در پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی بحث مستقلی با عنوان پیشینه تحقیق وجود دارد. در کتاب‌ها یا مقاله‌ها اگر بحث مستقلی ذیل این عنوان وجود نداشته باشد معمولاً در مقدمه به آن می‌پردازند؛

۴. با پیشینه پژوهی ژرف پژوهشگر درمی‌یابد که پیشینیان‌ش چگونه در راه پژوهش گام برداشته و چه دستاوردهایی داشته‌اند. پژوهشگر جدید در کجای مسئله و موضوع ایستاده است و تا کجا می‌تواند به تجربه‌های پیشین متکی باشد و از کجا، کار تازه و متفاوت خود را آغاز کند؛ به چه چیزهایی آگاهی دارد، نادانسته‌ها و ناشناخته‌های او کدامند؛ ناهمسازی‌ها و

تعارض‌ها در کجاست؟

۵. مرور پیشینه دلایل، ضرورت‌ها، نوآوری‌ها و اهمیت موضوع را نشان می‌دهد و به تصحیح مسئله، پرسش‌ها، روش و قلمرو تحقیق می‌انجامد؛

۶. پژوهشگر با مرور پیشینه است که پژوهشگران اصلی در این حوزه و ایده‌های آن‌ها را می‌شناسد؛

۷. دانش پژوهشگر درباره جدیدترین پژوهش‌های مرتبط با موضوع مورد نظرش، افزایش می‌یابد؛ زیرا با مهم‌ترین یافته‌های علمی در میدان پژوهشی خود آگاه می‌شود و می‌تواند ایده‌ها، روش‌ها، مفاهیم و مباحث اصلی در این حوزه را دسته‌بندی، تفسیر، تحلیل و نقادی کند؛

۸. با مرور پیشینه، پژوهشگر قادر است شکاف‌ها، نادانسته‌ها، تناقض‌ها، ناشناخته‌ها و ناگفته‌های مرتبط با پژوهش خود را روشن کند. به تعبیر خانم اخشیک، مطالعه تحلیلی پیشینه، پیوند میان پژوهش‌ها را چنان آشکار می‌سازد که می‌توان خلأها را دید و مشکلات را از فراز شناخت (آخشیک، ۱۳۹۹: ۳۸)؛

۹. پیشینه پژوهش می‌تواند خلأهای موجود در پژوهش‌های پیشین را در حوزه‌هایی چون دستگاه استدلالی و پارادایمیک پژوهش (کهن، مدرن، پسامدرن)، منظرهای<sup>۱</sup> پژوهشی، دسترسی به منابع جدید، ساده‌نگاری‌های پژوهشگران در امور پیچیده، راستی‌آزمایی یافته‌های پیشین، طرح روایت‌های خطی در برابر روایت‌های شبکه‌ای را نشان دهد تا پژوهش در مسیر علمی درست و اندیشیده‌ای قرار گیرد؛

۱۰. پژوهشگر با پیشینه‌شناسی انتقادی، می‌تواند پژوهشی متفاوت و متمایز از پیشینیان انجام دهد و به اصلاح ساختار و مفاهیم پژوهش خود پردازد تا از تکرار و دوباره‌کاری بپرهیزد؛

۱۱. پیشینه‌پژوهی «نقطه صفر پژوهش» یا نقطه آغازین تحقیق را نشان می‌دهد. این نقطه می‌تواند سرآغاز طرح مسئله، طرح پرسش‌های تحقیق، گردآوری داده‌ها، تدوین فرضیه‌ها یا هر فعالیت علمی دیگری در هر پژوهش تاریخی باشد. در نقطه صفر است که پژوهشگر بر زوایای پنهان و آشکار تحقیق آگاهی دارد. افزون‌براین، وضعیت صفر از نظر روان‌شناسی تحقیق رسیدن به یک حالت درونی خالی از هرگونه احساس منفی، تعصب، جانبداری کور، ترس، خشم و جهت‌گیری نادرست است. یعنی پژوهشگر را در یک حالت آرامش، بی‌طرفی و

نقطه‌رهایی از باورها و ایده‌های محدودکننده قرار می‌دهد؛

۱۲. تسلط بر پیشینه نشانگر بازبودن میدان تحقیق در موضوعات علمی است. به تعبیر براندیج نشان می‌دهد که پژوهش حوزه‌ای پویا و در حال تکامل است و همچنان که به‌سوی آینده می‌رویم دیدگاه ما درباره‌ی گذشته تکامل می‌یابد و چشم‌اندازمان همواره دگرگون می‌شود (براندیج، ۱۴۰۱: ۱۸۵).

### اصول و مبانی نگارش نقد پیشینه

پیشینه‌پژوهی از یک‌رشته قواعد و اصول پیروی می‌کند که بدون التزام به آن‌ها نمی‌توان به مستندسازی تحلیلی پیشینه پژوهش پرداخت.

### الف. قواعد و مبانی پیشینه‌پژوهی

نخست، باید فلسفه و اهمیت پیشینه پژوهش را دریافت آنگاه بر مبنایی استوار به ارزیابی پیشینه پرداخت.

دوم، برای مدیریت بهتر دانش و داده‌ها لازم است یک پرونده/فایل رایانه‌ای مناسب ایجاد نمود تا همه داده‌ها، یادداشت‌ها و اطلاعات مرتبط با پیشینه پژوهش را به نحو حساب‌شده‌ای در آن ذخیره کرد تا هر زمان امکان دسترسی، نقد، تحلیل، پالایش، افزودن، کاستن و اصلاح آن فراهم باشد.

سوم، از آنجا که مرور پیشینه کاری جدی، اصیل، مهم و زمان‌بر است، باید صبور بود و حوصله داشت و از مرور و مطالعه مکرر نهراسید. اگر پژوهشگر در مسیر پیشینه‌پژوهی برای برخی از پرسش‌های خود پاسخ‌های شایسته‌ای یافت نباید رنجیده و سرخورده شود، بلکه باید خرسند باشد که به موقع خطر را دریافته است. در چنین وضعیتی باید پرسش‌های پژوهشی خود را تغییر دهد یا مسیر تحقیق و رهیافت آن را به گونه‌ای اصلاح کند تا با ناشناخته‌ها، ابهام‌ها و ناسازگاری‌ها منطبق گردد و پژوهش در بستری جدید و مسیری نو سامان یابد.

چهارم، بسیاری از آثاری که ممکن است پیشینه پژوهشگر محسوب شوند، معمولاً بارها در معرض نقادی قرار گرفته‌اند یا فراتحلیل‌های از برخی آثار صورت گرفته است که پژوهشگر می‌تواند از آن‌ها استفاده کند. این فراتحلیل‌ها گاه به ابعادی از پیشینه پرداخته‌اند که ممکن است از ذهن پژوهشگر دور مانده باشد و این نقدها می‌توانند زاویه تازه‌ای به روی او بگشایند. همچنین گفت‌وگو و مشورت با متخصصان و صاحب‌نظران و جویا شدن نظر آن‌ها نیز کمک بزرگی به پژوهشگران جوان خواهد کرد.

پنجم، بی گمان، تعیین دقیق مجموعه آثاری که به پیشینه یا ادبیات یک پژوهش مربوط می شوند، چندان آسان نیست. اما هرگاه پیشینه یک پژوهش غنی و گسترده باشد، می توان آثاری را انتخاب کرد که به متغیرهای پژوهش مرتبط تر باشند. حتی به پیشنهاد کرسول، این امر می تواند مبنایی برای دسته بندی پیشینه باشد: پژوهش های مرتبط با متغیر مستقل، مطالعات مرتبط با متغیر وابسته و سوم، مطالعاتی که به هر دو متغیر و رابطه آنها با یکدیگر توجه دارند (کرسول، ۱۳۹۶: ۱۰۰).

#### ب. پرسش هایی که پژوهشگر باید در پیشینه پژوهش به آنها پاسخ دهد

درباره پیشینه پژوهش می توان پرسش های متفاوتی مطرح کرد. نگارنده این پرسش ها را به شش دسته شامل مسئله، روش، یافته ها، مناقشه ها، ابهام ها و تمایزها دسته بندی کرده است؛ بنابراین، پژوهشگر کامیاب کسی است که به همه این پرسش ها درباره پیشینه خود پاسخ دهد:

۱. پیش از من چه پژوهش هایی درباره مسئله پژوهش و در پاسخ به پرسش های پژوهش من انجام شده است، این پرسش ها و مسئله ها چه نسبتی با مسئله و پرسش های پژوهش من دارند؟

۲. پژوهش های پیشین با چه روش ها و رهیافت هایی صورت گرفته اند و پژوهشگران پیشین برای یافتن پاسخ به این مسئله از چه راه هایی پیش رفته اند، قوت و توانمندی روش های پژوهش های پیشین و نیز ضعف و کاستی های آنها در چیست؟ جنبه های متفاوت و متمایز تحقیق من با کارهای موجود کدام است؟ (ملایی توانی، ۱۳۷۶: ۹۴)

۳. پژوهش های پیشین چه یافته هایی داشته اند و اندیشه ها و ایده های کلیدی آنها چیست؟ ساختار و سامان علم در موضوع و مسئله پژوهشی من چگونه است؟ یافته ها و ایده های حاصل از پژوهش های پیشین چه نسبتی با پژوهش من دارند و چگونه می توانم از دستاوردهای نظری و یافته های علمی آنها استفاده کنم؟ برجستگی ها و کاستی های پژوهش های پیشین در چیست؟

۴. میان پژوهشگران پیشین چه اختلاف نظرها و تعارض هایی در روش ها، یافته ها و ایده ها وجود دارد؟ این اختلاف نظرها را چگونه می توان دسته بندی کرد؟ شکاف های اصلی چیست؟ این دسته بندی ها چه تفاوت هایی با یکدیگر دارند و راز اختلاف آنها در چیست؟ ایده های کلیدی پژوهش من در کدام دسته می گنجد؟ اگر در هیچ دسته ای نمی گنجد آیا به طرح ایده متفاوتی می انجامد؟ چرا و چگونه؟

۵. اگر دستاوردهای نظری و یافته‌های پژوهشگران پیشین را تحلیل و دسته‌بندی کنیم با چه ابهام‌ها، ناشناخته‌ها و نادانسته‌هایی روبه‌رو خواهیم شد؟ و پژوهش من‌قرار است به کدام‌یک از ناشناخته‌ها بپردازد؟

۶. پژوهش من باید با چه مسئله، روش، رهیافت و داده‌های متفاوتی صورت پذیرد که از تکرار پژوهش‌های پیشین جلوگیری کند؟ پژوهش من چگونه قرار است دانش موجود را ارتقا ببخشد و پله‌ای بر پله معرفت موجود بیافزاید و آن را یک گام به جلو سوق دهد؟

### ج. چگونه پیشینه پژوهش را بنویسیم؟

پیشینه‌پژوهی سودمند نیازمند تهیه یک نقشه پژوهشی است تا پژوهشگر بر پایه آن بتواند به ارزیابی انتقادی و دسته‌بندی پیشینه از منظرهای گوناگون بپردازد و سهم مطالعه خود را در گسترش دانش موجود و نسبتش با مجموعه پژوهش‌های پیشین را نشان دهد. برای اجرای نقشه پیشینه تحقیق نیاز است از هر متن مرتبط با پیشینه یک چکیده شامل مسئله پژوهش، هدف یا کانون مطالعه، نتایج کلیدی، قوت و ضعف یافته‌ها و روش‌شناختی مطالعه تهیه شود (کرسول، ۱۳۹۶: ۸۹-۸۸).

نگارش پیشینه با یک مقدمه کوتاه (و بدون ذکر عنوان «مقدمه») آغاز می‌شود. این مقدمه نشان می‌دهد فضای کلی حاکم بر پیشینه از جهت تنوع، گستردگی، قلمرو، ایده‌های و یافته‌های گوناگون چگونه است. این مقدمه خوانندگان را با مسئله و موضوع مورد پژوهش پیوند می‌دهد. پژوهشگر در این مقدمه توضیح می‌دهد که پیشینه را چگونه و بر چه مبنایی دسته‌بندی می‌کند. بدیهی است این مقدمه در طرح‌های پژوهشی و کتاب‌ها می‌تواند مفصل‌تر و در مقاله‌ها کوتاه‌تر بیان شود.

پس از مقدمه بسیار کوتاه باید به دسته‌بندی پیشینه پرداخت و ویژگی‌های هر دسته و البته تمایزهای آن‌ها را از یکدیگر نشان داد. پژوهشگر در این مرحله باید پیشینه پژوهش را به گونه‌ای سازمان دهد که مخاطبان او دریابند که در این زمینه چه دانش‌ها، آگاهی‌ها و ایده‌هایی شکل گرفته و کاستی‌ها، ویژگی‌ها و قوت آن‌ها در چیست. در پایان‌نامه‌ها و برخی از پژوهش‌ها و حتی در برخی از مقاله‌ها، پیشینه پژوهش مبحث مستقلی است و در پاره‌ای دیگر ذیل مقدمه ارائه می‌شود، اما در کتاب‌ها معمولاً در مقدمه یا دیباچه و گاه در فصلی جداگانه به آن می‌پردازند.

پژوهشگرانی که فصلی جداگانه یا عنوانی متفاوت را به پیشینه اختصاص می‌دهند، به صورتی جذاب و به‌دوراز قالب‌های خشک پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دکتری، می‌کوشند موضوع

را به گونه‌ای بپرورانند که خوانندگان را با خود همراه می‌کنند و به نحو شایسته و جذابی به متن اصلی پیوند دهند. به‌عنوان نمونه سهراب یزدانی در کتاب *اجتماعیون عامیون*، در فصلی مستقل با عنوان «تاریخ‌پردازی فرقه اجتماعیون عامیون» به‌صورت تفصیلی به ارزیابی نقادانه پیشینه پرداخته و به نحوی دلکش و عالمانه، افق‌های تازه‌ای به موضوع گشوده است (یزدانی، ۱۳۹۱: ۴۰-۱۳).

در واپسین بخش پیشینه‌پژوهی یا مرور نوشتگان، پژوهشگر باید به این پرسش‌ها پاسخ دهد که: ۱. آیا در پژوهش‌های پیشین دیدگاه خاصی وجود دارد که نیاز به پژوهش بیشتری داشته باشد؟ ۲. در چه مواردی پژوهشگر / پژوهشگران نتوانسته‌اند شواهد کافی و جامع برای گفته‌های خود ارائه دهند؟ ۳. آیا در پژوهش‌های پیشین سوگیری خاصی اعمال شده است؟ ۴. آیا روش مورد استفاده در پژوهش‌های پیشین با هم همخوانی دارند؟ ۵. آیا یافته‌های پیشین براساس تجزیه و تحلیل‌های علمی، درست و قابل دفاع هستند؟ ۶. چه چیزی در پژوهش‌های پیشین مورد غفلت قرار گرفته است؟ (محمدی نوسودی و ایمان‌پور، ۱۴۰۱: ۲۵۸).

خاتمه / نتیجه‌گیری نوعی جمع‌بندی است که بدون ذکر عنوان «نتیجه‌گیری» قید می‌شود و هدف آن این است که پس از دسته‌بندی، نقد و تحلیل پیشینه نشان دهد که چرا با وجود پژوهش‌های موجود به انجام یک پژوهش جدید نیاز است و این پژوهش قرار است در چه چشم‌اندازی، با چه مسئله‌ای و با چه هدفی صورت پذیرد که فراتر از کارهای موجود و متمایز از آن‌ها باشد.

### نتیجه‌گیری

پیشینه‌پژوهی در جامعه علمی و نظام دانشی رشته تاریخ به بیراهه رفته و به سرگردانی دانشجویان و پژوهشگران جوان افزوده است. این مقاله به سهم خود کوشیده است تا با نقد سنت پیشینه‌نویسی تحقیق در ایران، جایگاه برجسته آن را در فرایند تحقیق نشان دهد و یادآور شود که پیشینه تحقیق عامل برقراری پیوند منطقی میان داده‌ها و یافته‌های پیشین با مسئله پژوهشی جدید است. پیشینه‌پژوهی موجب شناسایی آثار برجسته، معتبر و کلیدی مرتبط با موضوع / مسئله پژوهشگر می‌شود و به شناخت نظریه‌ها، ایده‌ها، فرضیه‌ها و مباحث مهم در زمینه تحقیق مورد نظر می‌انجامد تا دریابد که مباحث نظری و معرفتی در این باره تا کجا پیش‌رفته و اکنون در چه مرحله‌ای قرار دارند، مناقشه‌ها و ناهمسازی‌ها، ناگفته‌ها، ابهام‌ها، ناشناخته‌ها و نیز خلأهای موجود کدام‌اند، پژوهش‌های پیشین با استفاده از چه ابزارها و روش‌هایی صورت گرفته و چه دستاوردهایی داشته‌اند، کاستی‌ها و برجستگی‌های آن‌ها در

چيست و چگونه می‌توان در پژوهش مورد نظر از آن‌ها بهره برد. پیشینه پژوهی همچنین نشانگر تسلط پژوهشگر بر موضوع است و به او اطمینان می‌دهد که کارش تکراری نیست و در محورهای مشخصی با آثار موجود تفاوت دارد؛ زیرا به پشتوانه پژوهش‌های پیشین، می‌تواند دامنه موضوعی و قلمرو زمانی و مکانی تحقیقش را محدود و متمایز سازد.

### منابع

- آخسیک، سمیه سادات. (۱۳۹۹). *بر مدار مسئله: نکته‌هایی پیرامون تدوین مسئله در پژوهش*. تهران: اساطیر پارسی.
- آریان‌پور، امیرحسین. (۱۳۸۳). *پژوهش*. تهران: امیرکبیر.
- اندروز، ریچارد. (۱۳۹۵). *ملاحظات نظری و عملی پیرامون شکل‌گیری و بیان پرسش پژوهش*. ترجمه احمد خامسان و لیلا طالب‌زاده شوشتری. تهران: جامعه‌شناسان.
- براندیج، آنتونی. (۱۴۰۲). *رویارویی با منابع: راهنمای پژوهش و نگارش تاریخ*. ترجمه محمد غفوری. تهران: سمت.
- پری‌رخ، مهری؛ فتاحی، رحمت‌الله. (۱۳۸۴). *راهنمای نگارش: مرور نوشتارها و پیشینه پژوهش در حوزه‌های علوم انسانی و اجتماعی*. تهران: کتابدار.
- بلک، جرمی؛ مک‌راید، دونالد. (۱۳۹۰). *مطالعه تاریخ*. ترجمه محمدتقی ایمان‌پور. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- پوپر، کارل ریموند. (۱۳۸۳). *زندگی سراسر حل مسئله است*. ترجمه شهریار خواجه‌یوان. تهران: مرکز. ثواب، جهانبخش. (۱۳۸۵). *روش تحقیق با تأکید بر تاریخ*. شیراز: نوید شیراز.
- جیل، جیسون و دیگران. (۱۴۰۰). *مرور نوشتگان (سابقه پژوهش)*. ترجمه حوریه احدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حاضری، علی محمد. (۱۳۸۸). *مطالعات انقلاب اسلامی*. ۲ جلد. تهران: عروج.
- حضرتی، حسن (۱۳۸۱). *تأملاتی در علم تاریخ و تاریخ‌نگاری اسلامی: گفت‌وگویی با دکتر سیدهاشم آقاجری*. دکتر غلامحسین زرگری‌نژاد و دکتر عطاءالله حسینی. تهران: نقش جهان.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). *روش پژوهش در تاریخ‌شناسی (با تجدیدنظر و اضافات)*. ویراست ۳. قم: لوگوس.
- رامپولا، مری لین (۱۳۹۴). *راهنمای نگارش تاریخ*. ترجمه لی‌لا سازگار. تهران: آگاه.
- رشید یاسمی، غلامرضا (۱۳۱۶). *آیین نگارش تاریخ*. تهران: مؤسسه وعظ و خطابه.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین (۱۴۰۲). *برآمدن قاجار: تاریخ ایران از پایان عصر صفوی تا قتل آقامحمدخان قاجار*. تهران: نگارستان اندیشه.

- سالاری شادی، علی (۱۳۸۶). «بازنگری در احوال و مناسبات شیخ صفی الدین اردبیلی». پژوهش‌های تاریخی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه اصفهان. (۵۰). ۶۹-۴۵. <http://noo.rs/uNIIf>
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۸). «احوال و مناسبات صدرالدین صفوی و نقد افسانه قاسم انوار». پژوهش‌های تاریخی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه اصفهان. (۱). ۱۰۰-۶۷. [https://www.journals.ui.ac.ir/article\\_16480.html](https://www.journals.ui.ac.ir/article_16480.html)
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۱). «شمس الدین گیلانی معلم شاه اسماعیل افسانه یا واقعیت». تاریخ نامه ایران بعد از اسلام. ۳ (۵). ۱۴۲-۱۲۳. [https://journals.tabrizu.ac.ir/article\\_1056\\_0.html](https://journals.tabrizu.ac.ir/article_1056_0.html)
- ساماران، شارل و دیگران (۱۳۷۱). روش‌های پژوهش در تاریخ. ترجمه ابوالقاسم بی‌گناه. غلامرضا ذات‌علیان و اقدس یغمایی. ۴ جلد. مشهد: آستان قدس رضوی.
- علمداری، کاظم (۱۳۸۰). چرا ایران عقب ماند و غرب پیش رفت؟ چاپ ۶. تهران: نشر توسعه.
- فروزش، سینا (۱۳۹۲). مبانی روش تحقیق در تاریخ. تهران: جهاد دانشگاهی.
- قائم‌مقامی، جهانگیر (۱۳۵۸). روش تحقیق در تاریخ‌نگاری. تهران: دانشگاه ملی ایران.
- قدیمی قیداری، عباس؛ شوهانی، اصغر (۱۴۰۰). «سرگردانی تاریخ در دارالفنون: مسئله سرآغاز آموزش نوین تاریخ در ایران معاصر». جستارهای تاریخی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. (۱)۱۲. ۲۷۴-۲۳۱. <http://noo.rs/Fx4Na>
- کالینگوود، آر. جی (۱۳۹۰). اصول تاریخ و نوشتارهای دیگر در فلسفه تاریخ. ترجمه عبدالرضا سالاربهزادی. تهران: نی.
- کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۶). طرح پژوهش: رویکردهای کمی. کیفی و ترکیبی. ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس. تهران: جهاد دانشگاهی علامه طباطبایی.
- کلارک، کیتسن. (۱۳۶۲). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در تاریخ. ترجمه اوانس آوانسیان. تهران: اساطیر.
- متین، افشین. (۱۳۹۹). هم شرقی، هم غربی: تاریخ روشنفکری مدرنیته ایرانی. ترجمه حسن فشارکی. تهران: شیرازه.
- محمدی نوسودی، صهیب؛ ایمان‌پور، محمدتقی. (۱۴۰۱). «آسیب‌شناسی پیشینه پژوهش در مطالعات تاریخی (مطالعه موردی: پایان‌نامه‌های دوره کارشناسی ارشد رشته تاریخ)». تاریخ‌نگاری. دانشگاه الزهراء (س). ۳۲ (۲۹). ۲۷۲-۲۴۵. <https://doi.org/10.22051/hph.2023.42829.1649>
- ملایی توانی، علیرضا. (۱۳۸۶). درآمدی بر روش پژوهش در تاریخ. چاپ ۷. تهران: نشر نی.
- میرجعفری، حسین و نورایی، مرتضی. (۱۳۸۸). روش پژوهش در تاریخ. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مینوی، مجتبی (۱۳۷۵). روش تحقیق در تاریخ. یادداشت‌های مینوی. به‌کوشش مهدی غریب و محمدعلی بهبودی. جلد ۱. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، سال ۳۴، شماره ۳۳، بهار و تابستان ۱۴۰۳ / ۲۵۹

نورایی، مرتضی (۱۳۸۷). راهنمای نگارش در تاریخ: دستنامه‌ای برای دانشجویان. مشهد: جهاد دانشگاهی.

هروی، جواد (۱۴۰۳). روش تحقیق و پژوهش علمی در تاریخ. تهران: امیرکبیر.

یزدانی، سهراب (۱۳۹۱). اجتماع‌یون عامیون. تهران: نی.



**List of Sources with English Handwriting**

- Akhishtk, Somaye Sadat (2019), On the Problem: Notes on Formulating a Problem in Research, edited by Abdolhossein Faraj-Pahlou, Tehran, Persian Mythology. [In Persian]
- Alamdari, Kazem (2001), Why Did Iran Remain and the West Advance? Tehran, Tūse'eh Publishing House, 6th edition. [In Persian]
- Andrews, Richard (2016), Research questions, translated by Ahmad Khamsan and Leila Talebzadeh Shushtari, Tehran, Sociologists. [In Persian]
- Arianpour, Amirhossein (2004), Research, Tehran, Amīrkabīr. [In Persian]
- Black, Jeremy and Mac Raid, Donald (2011), Study of History, translated by Mohammad Taghi Imanpour, Mashhad, Ferdowsi University. [In Persian]
- Brundage, Anthony (2013), Going to the sources : a guide to historical research and writing, translated by Mohammad Ghafouri, Tehran, Samt. [In Persian]
- Clark, Kitson (1983), Introduction to Research Method in History, translated by Evans Avansian, Tehran, Asāfir. [In Persian]
- Collingwood, R. J. (1971), The principles of history: and other writings in philosophy of history, translated by Abdolreza Salar Behzadi, Tehran, Ney. [In Persian]
- Creswell, John W. (1977), Research design : qualitative, quantitative, and mixed methods approaches, translated by Alireza Kiamanesh and Maryam Danae-Toos, Tehran, Allameh Tabatabaei University Press. [In Persian]
- Foruzesh, Sina (2013), Fundamentals of Research Methodology in History, Tehran, jahād-e Dānešgāhī. [In Persian]
- Ghadimi Gidari, Abbas and Shohani, Asghar (1979), History wandering in Dar Al-fonoun: the problematic of "the beginning" of new education of history at contemporary Iran, Journal of Historical Essays, Institute for Humanities and Cultural Studies, Year 12, Issue 1, Spring and Summer. [In Persian]
- Ghaem-e-Maghani, Jahangir (1979), Research Method in Historiography, Tehran, National University of Iran. [In Persian]
- Hazeri, Ali Mohammad (2009), Studies of the Islamic Revolution, Tehran, 'Orūj, 2 vols. [In Persian]
- Hazrati, Hassan (2002), Reflections on the Science of History and Islamic Historiography: A Conversation with Dr. Seyed Hashem Aghajari, Dr. Gholam Hossein Zargarinejad and Dr. Ataullah Hassani; Tehran, Naqš-e jahān. [In Persian]
- Hazrati, Hassan (2012), Research Method in Historiography (with revision and additions), 3rd edition, Qom, Logūs. [In Persian]
- Heravi, Javad (1403), Scientific Research and Research Methods in History, Tehran, Amīrkabīr.
- Jesson, Jill, Matheson, Lydia and Lacey, Fiona. M. (2011), Doing your literature review: traditional and systematic techniques, translated by Horiyeh Ahadi, Tehran, Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Matin, Afshin (2019), Both East and West: An Intellectual History of Iranian Modernity, translated by Hassan Fesharaki, Tehran, širāz. [In Persian]
- Minovi, Mojtaba (1996), Research Method in History, Minovi's Notes, edited by Mehdi Gharib and Mohammad Ali Behboudi, Tehran, Humanities and Cultural Studies Research Institute, Vol. 1. [In Persian]
- Mirjafari, Hossein and Nouraei, Morteza (2009), Research Method in History, Tehran, Islamic Culture and Thought Research Institute. [In Persian]
- Mohammadi Nosodi, Sohayb and Imanpour, Mohammad Taghi (1401), " The pathology of Literature review in historical studies (Case study: master theses in the field of history), Journal of Historical Perspective and Historiography, Alzahra University, Year 32, New Edition, Year 29, Serial Number 114. [In Persian]
- Mollaiy Tavani, Alireza (2007), Introduction to Research Method in History, 7th Edition, Tehran: Ney Publishing. [In Persian]

- Nouraei, Morteza (2008), Guide to Writing in History: A Handbook for Students, University Jihad. [In Persian]
- Parirokh, Mehri and Fattahi, Rahmatollah (2005), Writing Guide: A Review of Writings and Research Background in the Fields of the Humanities and Social Sciences, Tehran, Librarian. [In Persian]
- Popper, Karl Raymond (2004), All life is problem solving, translated by Shahriar Khajavian, Tehran, Markaz. [In Persian]
- Rampolla, Mary Lynn (2015), A Pocket Guide to Writing in History, translated by Leila Sazgar, Tehran, Āgah. [In Persian]
- Rashid Yasemi, Gholam Reza (1937), the Ritual of Writing History, Tehran, Institute of Sermon and Oratory. [In Persian]
- Salari Shadi, Ali (2007), Some remarks on the position and relationships of sheykh safi al- din ardebili, Scientific-Research Journal, Faculty of Literature and Humanities, Isfahan University, Issue 50. [In Persian]
- Salari Shadi, Ali (2009), S The conditions and relations of Sadroddin Safavid and criticism of the Qasem-e Anvār story, Historical Research, New Period, Issue 1. [In Persian]
- Salari Shadi, Ali (2012), Shams al-Din Gilani, Teacher of Shah Ismail, Legend or Reality, Two Quarterly Scientific Research Journals, History of Iran after Islam, Year 3, Issue 5. [In Persian]
- Samaran, Charles et al. (1992), Research Methods in History, Translated by Abolghasem Bigonah, Gholamreza Zat Alian and Aghdas Yaqmaei, Mashhad, Āstān Qods Razavī, 4 volumes. [In Persian]
- Savagheb, Jahanbakhsh (2006), Research Methodology with special reference to history, Shiraz, Navīd šīrāz. [In Persian]
- Yazdani, Sohrab (1391), Eǰtemā'īūn 'Āmīyūn, Tehran, Ney. [In Persian]
- Zargarinejad, Gholam Hossein (1973), the Rise of the Qajars: History of Iran from the End of the Safavid Era to the Assassination of Agha Mohammad Khan Qajar, Tehran, Negārestān-e Andīseh. [In Persian]



©2024 Alzahra University, Tehran, Iran. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0 license) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## Deviation from the Research Background in Iran: A Critical Reflection on Literature Review<sup>1</sup>

Alireza Mollaiy Tavany<sup>2</sup>

Received: 2025/04/13  
Accepted: 2025/08/28

### Abstract

While numerous works have been written or translated into Persian on historical research methods, neither these works nor the practical field of historical research have, in fact, given the principle of "literature review" or "background research" its proper place. Although the research background is a fundamental and inseparable part of any scientific research, a critical examination of the tradition of historical research in Iran reveals a form of misdirection. The problem is that the "research background" in historical research has become ornamental and marginal, losing its essential function. This article addresses the issue of research history, its definition, goals, and functions. It raises the question of what are the principles and foundations of historical writing, what are the main approaches in historical research, and what should be done to restore its proper position? By critiquing the tradition of historical writing in the field, the author concludes that historical research in Iran has become irregular, deviant, and unscientific, and that this situation urgently requires revision. Therefore, both our understanding of historical research and our approach to writing about it must fundamentally change to improve the quality of historical research. Specifically, historical research should serve as a platform for critically reviewing previous studies and enable the use of earlier researchers' experiences as a foundation for scientific innovation and the exploration of new horizons.

**Keywords:** Literature review (Research background), Systematic review, Critical reading, Irregular review, Regular review.

---

1. DOI: 10.22051/hph.2025.50801.1800

2. Professor, Research Institute of Human sciences and cultural studies, Tehran, Iran:  
mollaiynet@yahoo.com

Print ISSN: 2008-8841/ Online ISSN: 2538-3507